

زین العابدین رهنما

پیامبر

جلد اول

پگاہ



راجع به کتاب پیامبر

از بیست سال به این طرف سبک جدیدی در دنیای ادبیات تاریخی به قلم چند نویسنده‌ی عالی قدر و توانا به وجود آمده که یک نمایش و تصویری است از حیات حقیقی با رنج‌ها و مسرت‌های آن که به اصطلاح «درام» می‌نامند؛ نمایش یک عصر پرحادثه‌ی است از تاریخ که از ماوراء شخصیت بزرگی دیده می‌شود که خود او عامل آن حوادث بوده است. یک چنین اثری منظره‌ی زنده‌ی عصری است که نویسنده در آن دقت کرده و آن را در یک قالب متنوع شده‌ی «شرح حال» جای داده است. شرح حال این مردمان بزرگ است که در صحنه‌ی دنیا به سان یک عامل و فاعل قضا و قدر ظهور کرده‌اند. بنابراین چنین اثری یک کتاب تاریخ خشک و معمولی مدرسه‌ی نیست و من اعتراف می‌کنم که برای نامیدن آن در زحمت هستم. این اثر تحقیقاً یک رومان تاریخی به شکل کتاب «Que Vadis» اثر سینکوویچ^۱ یا «آخرین روزهای پمپه‌ای» تألیف «لرد لیتون»^۲ نیست و همچنین نظیر اثر مشهور «پلوتارک»^۳ که شرح حال بزرگان است و یا تاریخ افسانه‌ی اثر «هرودوت»^۴ یا «تاسیت»^۵ نمی‌باشد و همچنین شباهتی به اثر «مومسن»^۶ که بر اساس ابنیه و آثار تاریخی صرف متکی شده ندارد. این کتاب به نوعی نگارش یافته که کمابیش به همه‌ی آنها شباهت دارد زیرا حوادث تاریخی را مواد نگارش گرفته و آنها را به طوری مورد استفاده قرار داده است که بتواند به قیافه‌ی آن مرد بزرگ نابغه، برجستگی شایسته را بدهد. خلاصه در تألیف چنین اثر ادبی، صنعت بیش از علم به معنی خاص، دخیل شده است. به شما یادآوری نمایم که تاریخ یک علم حقیقی نیست بدین معنی که علم صحیحی نیست که روی مبادی عقلایی، اثری یا مقداری قرار گرفته باشد مانند منطق و ریاضیات و یا مانند علومی که روی تجربیات حسی قائم شده باشد. تاریخ، تحقیق علمی اتفاقات اجتماعی است برای تعیین مناسبات تشابهی آنها در فضا و رابطه‌های

1. Sienkiewicz

2. Les derniers Jours de Pompei. Par : Lord Lytton.

3. Plutarque

4. Herodote

5. Tacite

6. Mommsen

تعاقبی آن در زمان و تعقیب علل وقوع آنها، تا اینکه بتوان گذشته را تفسیر و آتیه را پیش‌بینی نمود. طبعاً این اسلوب تحقیقی به‌هیچ وجه نمی‌تواند به‌طور منطقی با فکر و اراده‌ی فوق‌العاده‌ی تطبیق کند که در کارهای بشری دخیل شده و تمام آنها را به‌طرف یک نقطه یا یک تصمیم قبلی هدایت کند. در آنجا دیگر علم را دخالتی نیست و اما تقدیر که یک اراده‌ی عالی را که، خدا، خواسته است، در بر می‌گیرد، به‌هیچ وجه نمی‌تواند یک مسأله یا یک عنوان تحقیقی برای تاریخ قرار بگیرد، چه آن که تاریخ پیش از یک منظره فهرستی کمابیش صحیح از تکامل اجتماعی بشریت نیست، که آن نیز از لحاظ ترکیب آن مورد بحث واقع شده است.

ولی مؤلف و نویسنده یک اثر صنعتی و ادبی به‌هیچ وجه مجبور نیست خود را مقید به اسلوب علمی بکند و از راه استدلال به بعضی از حقایق عمومی برسد و یا تمام آنچه که عقلایی نیست رد کند. نویسنده صنعتی و ادبی با آفاق و الهام شروع و با ترکیب و تألیف ختم می‌کند. چنین نویسنده‌ی هرگز نمی‌تواند از اینکه در میان اتفاقات تاریخی به‌طور برجسته قسمت‌های معجزه‌ی را نشان دهد، آنها را به یک اراده‌ی عالی نسبت دهد یا به تقدیر که در واقع هر دو یکی است و ما مردم نیز مایلیم که تقدیر را به صحیح یا به غلط علت و معنی و هدف و یا تکامل زندگی اجتماعی از روی روش تاریخ، بدانیم. بنابراین وقتی که می‌خواهند شخصیت حیرت‌آور شخص فوق‌العاده‌ی را به‌طور برجسته از خلال کارهایش نشان دهند به‌طرف ادبیات حماسی می‌روند و اگر برای حماسه معجزه ضروری است در زندگی و در کارهای مرد بزرگ و حقیقی همیشه چیزهای معجزه‌آسا وجود دارد. چنین شخصیتی است که می‌تواند جریان و روش تاریخ را به بهترین طرز یعنی به‌وسیله‌ی یک انقلاب پر ایمان، عوض کند. به‌وسیله‌ی ایمان کامل و آهنگین خودش به یک کمال مطلوب، به‌وسیله‌ی اطمینان خم‌نشده‌ی که به خودش و به بعثش دارد، به‌وسیله‌ی شوق عقیده‌آور و مسری در نفوس، همان شوق و ایمانی که به آن شخصیت عالی وحی می‌کند و وجودش از آن پر است و بالاخره به‌وسیله‌ی همان اراده‌ی آمرانه و غیرقابل مقاومتش که از صفات برجسته‌ی اخلاقی او است، موفق می‌آید انقلابی را در دنیا، یا لااقل در دنیای خودش، به‌وجود آورد و عصر جدیدی را در تاریخ بگشاید.

این‌گونه شخصیت‌ها را نمی‌توان از حوادث تاریخی که مهر تصمیم و اثر اراده‌شان را دارد در هیچ جا و به هیچ نوع تفکیک کرد.

پیامبران بزرگ مؤسسان مذاهب را باید در صف اول این نوع نابعه‌ها جای داد و بعد از آنها فاتحان بزرگ. آنها شایستگی دارند که موضوع ادبیات حماسی واقع بشوند.

در میان معاصران، «امیل لودویگ»^۱ در شاهکارهای ادبی خود از قبیل «فرزند آدم»، «ناپلئون»^۲، «گوته»^۳، «بیسمارک»^۴ و غیره در این سبک داد سخن داده. یک نویسنده‌ی دیگر عصر چنگیزخان را دوباره زنده کرده و من با علاقه‌ی زیادی آن را خواندم، این قبیل آثار شاهکارهای ادبی حماسه به‌شمار می‌آیند.

1. Emile Ludwig

2. Napoléon

3. Goethe

4. Bismark

از مدتی پیش دانشمندان بزرگ و علامه‌های عالیقدر از کتاب‌های تاریخی راجع به شرح زندگی «بودا»^۱، «ساکيامونی»^۲، «زردشت» و «محمد» پیامبر اسلام و راجع به زندگی مسیح نوشته‌اند. این کتاب‌ها تحقیقات بسیار حساسی هستند که مستند به آثار تاریخی و از همه جهت تحقیقی می‌باشند و در آنها موضوع با کمال بی‌طرفی و با فکر و تحقیقات علمی بحث شده است. کتاب نویسنده‌ی مشهور عرب حسین هیکل راجع به محمد از آن قبیل است. اینها کتب تاریخی صرف هستند که من نمی‌خواهم راجع به آنها در اینجا بحث کنم. آنها را ستایش می‌کنم ولی به‌طور دیگر.

در این مقاله می‌خواهم عقیده‌ی خود را راجع به کتاب قابل ستایش یک نویسنده‌ی مشهور ایران امروزی آقای زین‌العابدین رهنما که اخیراً نوشته است برای خوانندگان خود بگویم. این کتاب یک اثر حماسی با عظمتی است که به نام پرافتخار محمد پیامبر تقدیم شده است و نویسنده از بعثت خیره‌کننده‌ی صاحب آن الهام گرفته است.

اگر من چند اشاره‌ی قبلی کرده‌ام فقط برای آن بود که به خوانندگان بگویم برای چه و چگونه این قبیل آثار را دوست دارم و چرا ترجیح می‌دهم که این کتاب‌ها را آثار هنری و ادبی بخوانم تا نام دیگر به آن دهم. اگر یک نویسنده کتابی راجع به محمد با آخرین اصول تحقیق و تدقیق می‌نوشت به نظر من از یک اثر زیبای هنری و ادبی که با قوت نوشته شده باشد گران‌بها تر نمی‌شد.

من بر بیشتر خوانندگان این اثر گران‌بها برتری و رجحان دارم که مؤلف را شخصاً می‌شناسم و به اندازه کافی زبان پرموسیقی را که در آن آقای رهنما نوشته است می‌دانم. در نسخه‌ی اصلی کتاب لذت خواندن صفحات زیبایی را پیدا کردم که مناظر رنگارنگ و با عظمت امپراتوری ایران را مجسم می‌کرد. آقای رهنما، این نویسنده‌ی حساس و توانا، ادب و تحقق را در این اثر توأمأ به‌وجود آورده، سبکی دارد که در هر موضوع، با تنوع افکار و امواج احساسات او وفق می‌دهد و در هر مرحله همان رنگ را می‌گیرد. یک نویسنده‌ی صاحب سبک مانند ویولونیست کار کرده و توانایی می‌باشد به همین دلیل است که خواندن کتاب او آن همه لذت‌بخش می‌باشد، قدرت نویسنده‌ی و شخصیت را بیشتر در دیدگان خود واجد است. هرچه را که می‌بیند با کمال قوت و سهولت و صحت با همان رنگ‌های خودش دوباره مجسم می‌کند به‌طوری که خواننده با ایشان همه چیز را می‌بیند. برای زنده کردن گذشته چنین قدرت تجسم اشیاء و حوادث ضرورت دارد، بدین جهت خواننده می‌تواند تمام مناظری که ایشان شرح داده‌اند به رنگ خودش مانند مناظر یک فیلم رنگین مشاهده کند. آقای رهنما دارای موهبت نویسنده‌ی است.

تصورات زنده و بیدار با هیجان‌های روحی که تقریباً تمام وجود و قوای او را می‌لرزاند واجد است؛ حتی این حالت هنگام سخن‌گویی و مذاکره در چیزهایی که مورد علاقه‌اش می‌باشد دیده می‌شود. می‌توانم بگویم که او نقاش خلق شده است. چه مناظر عالی و زیبایی: به رنگ‌های جذاب که ما در این کتاب می‌بینیم.

منظره‌ی زنده و زیبای روز پذیرایی با عظمت جشن ساسانی را بخوانید. این شرق است با تمام

1. Bouddha

2. Sakya - Mouni